

ملت افغانستان مراقب جنگ نرم آمریکایی‌ها باشند

صفحه ۲۵ را بخوانید



فرارسیدن عید سعید قربان را به مسلمانان جهان تبریک می‌گوییم
روزنامه خبری، تحلیلی، دانشگاهی صبح ایران
صدای نخبگان، نگاه جوانان

۶ صفحه
تیراژ ۲۰۰۰ تومان
شهرستان‌ها و واحدهای
دانشگاهی ۵۰۰ تومان

شماره مسلسل ۴۱۰۹
شماره ۲۹ تیر ۱۴۰۰
۹ دی‌ماه ۱۴۴۲
۲۰ جولای ۲۰۲۱
شماره ۳۳۷۱

www.fdn.ir | Tue | 20 Jul 2021 | vol.13 | No. 3371 | 16 Pages

صفر تا صد طرح مجلس درباره فضای مجازی را در «فرهیختگان» بخوانید؛ در صورت تصویب چه اتفاقی می‌افتد؟

امضای مجلس را پای این طرح نزنید

گفت‌وگوی «فرهیختگان» با محسن یزدی، مدیر شبکه مستند

تلویزیون باید اعتماد
به نفس داشته باشد

۱۳، ۱۲

«فرهیختگان» گزارش می‌دهد

دانش بنیان‌ها برای حل
چالش آب به میدان می‌آیند

۸، ۶

دکتر ولایتی تاکید کرد

ایران از منافع ملت
افغانستان حمایت می‌کند

۳



« یادداشت - ۲ »

به بهانه برنامه زاویه چهارشنبه ۲۳ تیرماه

بنای بازارگرایان

آن برنامه را دنبال کند. لذا دنبال ایده‌های اقتصادی مشاوران دولت روحانی نیست؛ چون نوآوری‌های در سطح برنامه دارد! حال آنکه تغییر رویکردی و مبنایی در کار نیست. با این سیاست، آنها همیشه در موضع اپوزیسیون هستند و البته در موقعیتی که می‌خواهند با ایده و برنامه، دولت آینده و بالطبع کشور را از ابرچالش‌ها نجات دهند.

۲) بازارگرایان دستکاری و مهندسی افکار عمومی را مهم‌ترین استراتژی تغییر می‌دانند. «جوزف استیگلیتز» برنده نوبل اقتصاد، در فصل ششم کتاب «بهای نابرابری» راهبردها و تاکتیک‌های پیاده‌سازی ساخت اجتماعی ادراکات جدید از سوی بازارگرایان را معرفی کرده است؛ راهبردهایی که عمدتاً در خدمت منافع اقلیت ثروتمند و از جیب عامه مردم است. رسانه قلمرو ذی نفعان کلیدی و در تسخیر بازارگرایان است؛ حتی اگر چهره انقلابی و اسلامی داشته باشد، این تحلیل را ندارد که عامل و کارگزار چه ایدئولوژی‌ای شده است. شکل دهی به ادراکات و تصورات عمومی از سوی بازارگرایان و رسانه‌هایش، به‌آنچه شست‌وشوی مغزی یا پروپاگاندا (عملیات روانی) نامیده می‌شود، کاملاً نزدیک است. این پیشفرض مخالف فرضیه نئوکلاسیک‌ها است که ادراکات و ترجیحات تعریف شده و کاملاً عقلانی است و در تضاد با این فرضیه که افراد واقعاً نمی‌دانند چه می‌خواهند! استیگلیتز به خوبی میدان نبرد شکل‌دهی ادراکات با هدف برانگیختن احساسات مردم برای تغییرات مطلوب مدنظر بازارگرایان را ترسیم کرده است. باین حال آنچه او در ادامه می‌گوید، توصیف تاکتیک‌هایی است که بازارگرایان در آمریکا پیدا کرده‌اند. برای شناخت انضمامی این راهبرد در ایران، باید مطالعه تجربی و عینی درپیش گرفت. زاویه ۲۳ تیرماه از این حیث هم یک نمونه خوب است. مدافع بسته نجات اقتصاد ایران، صراحتاً می‌گوید ما از سیاستون قطع امید کرده و مخاطب این برنامه را مردم قرار داده‌ایم. تا اینجا البته ایرادی نیست؛ نکته تکنیک‌های رسانه‌ای-روانی بعد از آن است. یکی از آنها فرار از واژگانی است که در افکار عمومی بی‌آبرو شده است؛ بدون آنکه تغییری در معنا و محتوا در کار باشد. با این منطق است که آزادسازی قیمت‌ها به عادلانه‌سازی قیمت‌ها ترجمه می‌شود و شوک درمانی به افزایش واقعی با شیب ملایم قیمت‌های کلیدی. این تکنیک در خدمت خصلت اول و اصلی بازارگرایی ایرانی قرار می‌گیرد: فرار از پاسخگویی، مسئولیت‌ناپذیری و ایجاد تمایزی صوری و ظاهری با عملکرد بازارگرایان گذشته. بهره‌مندی از واژگان و وعده‌های جذاب چون عادلانه‌سازی، فقرزدایی و مبارزه با فساد نیز آخرین توصیه‌ها با هدف همراهی طبقات پایین به‌عنوان مخالفان بالقوه بازارگرایی است. در این میان از تاکتیک «فرصت تغییر در حال تمام شدن است» و «پنجره‌ها رو به بسته شدن است» با هدف تسریع جهت‌پذیرش ایده‌های خود استفاده می‌کنند.

ادامه در صفحه ۸

حسین سرآبادانی تفرشی

پژوهشگر هسته عدالت‌پژوهی مرکز رشد دانشگاه امام صادق(ع)

مجله فکری-رسانه‌ای زاویه این هفته به‌نقد و بررسی برنامه بنای ایران (بسته‌شکر نجات اقتصاد ایران) اختصاص داشت. نقد محتوایی و علمی این بسته‌سیاستی در جای خود لازم و اساسی است؛ اما آنچه به‌نظر مهم‌تر است، تعمیق شناخت فکری افکار عمومی از خصلت‌های بازارگرایان ایرانی در آغاز قرن جدید و فهم بازی سیاسی-اجتماعی آنهاست. ایدئولوژی بازارگرایی البته اختصاص به این سرزمین ندارد و از آمریکای جنوبی تا آسیای شرقی عملیاتی و تبعات و پیامدهای متکثر و متنوع داشته است. اما آنچه برای آینده ایران مهم است، شناخت ابعاد فرامتنی بازارگرایان ایرانی است تا از این رهگذر شناخت انضمامی، عینی و متناسب با واقعیات جامعه ایران از یکی از مهم‌ترین جریان‌های فعال فکری و اجتماعی دهه‌های گذشته حاصل شود؛ بازارگرایی‌ای که البته خصلت‌های اینجایی و امروزی پیدا کرده و حتماً با بازارگرایی مرسوم فاصله دارد. به‌نظر می‌آید برنامه این هفته مجله زاویه در این زمینه بسیار کمک‌کننده بود. محورهای زیر به‌نحو کامل در یک خوانش فرامتنی از آنچه در مواضع مدافع این برنامه بیان شد، قابل دریافت بود.

۱) مسئولیت‌گریزی زندانه، مهم‌ترین خصلت بروز یافته بازارگرایان ایرانی است. از نگاه آنها، هر نسخه‌ای که به نام بازارگرایی در چهار دهه گذشته اقتصاد ایران اجرا شده، نسخه‌ای بدلی، غیرواقعی، بسیار محدود و ناقص از نسخه اصلی بازارگرایی است. بنابراین با زیرکی تمام، از مسئولیت و پذیرش آنچه نسخه‌های بازارگرایانه در سال‌های ابتدایی دهه ۷۰ در ماجرای تعدیل ساختاری دولت هاشمی و اعتراضات مردم اسلامشهر، مشهد و... رقم زد، شانه خالی می‌کنند. نقاط مثبت طرح هدفمندی سال ۸۹ را به آزادی‌گرایی اقتصادی ارجاع داده و درمقابل ضعف‌هایش، آن را حواله به «اجرای بد» می‌کنند؛ درحالی که عیناً برای تحلیل آبان ۹۸ و فاجعه بن‌زنی دارند. آنها همیشه در موضع اپوزیسیون هستند نه پوزیسیون. به باور آنها، بازارگرایی در ایران اساساً تاکنون پیاده نشده که تبعات آن مشخص شود؛ راه‌حل چیست؟ باید در تحقق سیاست‌های بازارگرایانه شتاب داشت و بازارگرایی اصیل و خالص را پیاده کرد. خلوص مدنظر آنها البته پایانی ندارد. آنها همیشه نوآوری‌های جدید برای حرکت در مسیر این خلوص گرایسی دارند. اینکه «بنای ایران» به‌لحاظ منطق برنامه و رویکرد نظری حاکم بر آن، تفاوتی مبنایی با «طرح جامع مطالعات اقتصاد ایران» که سال ۱۳۹۴ با محوریت مسعود نیلی و «موسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی» ندارد، مهم نیست، مهم این است که بنای ایران به‌جای ۱۶ محور آن طرح، با نوآوری‌های تکنیکی و عملیاتی تلاش دارد با سرعت بیشتر اهداف

نمی‌دهند. بنابراین آنها نباید بخشی زیادی از یافته‌های خود را در مقاله بیاورند بلکه فقط باید خلاصه‌ای از فعالیت‌های انجام گرفته و نتایج را در مقاله ذکر کنند. از قضا بعد از مدت کوتاهی، پژوهشگران دیگری پیدا می‌شوند که دوست دارند در موضوع مرتبط با موضوعات دو پژوهشگر قبلی پژوهش کنند. هنوز مقاله‌های این دو پژوهشگر به چاپ نرسیده‌اند تا بشود از آنها استفاده کرد. همچنین اگر چاپ هم شده بودند، بسیاری از داده‌های آن مقاله‌ها مانند محتوای مصاحبه‌ها، شرایط آزمایشگاه، مواد اولیه تهیه شده، چالش‌ها و... در دسترس پژوهشگران جدید نبودند. بنابراین پژوهشگران جدید مجبورند بخش زیادی از اطلاعات و داده‌های علمی را که در اختیار آن دو پژوهشگر بود و طی مسیر پژوهش‌هایشان ماه‌ها طول کشیده بود، دوباره انجام دهند و مسیرهای طی شده چندماهه را به‌نوعی تکرار کنند. دوباره مصاحبه‌هایی انجام شود و تهیه مواد اولیه لازم برای آزمایش نیز مجدد مسیر اداری خود را طی کند و...

اگر اندکی پیرامون خود را مشاهده کنیم، متوجه خواهیم شد شرح حال بسیاری از پژوهشگران ما در جامعه علمی کشور همین گونه است. داده‌های علمی مفید در اختیار دیگر پژوهشگران قرار نمی‌گیرد، زمان زیادی صرف می‌شود تا داده‌های علمی به‌صورت رسمی به چاپ رسیده و در اختیار همگان قرار گیرد و... خیلی از ما تصور می‌کنیم پایگاه‌هایی که مقالات یا کتب علمی در آنها نمایه شده‌اند، تنها منبعی هستند که برای پژوهش باید مورد استفاده قرار گیرند. به‌طوری که هر کدام از ما اگر بخواهیم در مورد یک موضوع علمی تحقیق کنیم، سراغ مقالات یا کتاب‌های مختلف در این حوزه می‌رویم. به‌عبارت دیگر، بخش مهمی از فعالیت‌های علمی در کشور توسط مقالات علمی که در داخل و خارج وجود دارد، انجام می‌گیرد. همان‌طور که در مثال دیدیم، در پس زمینه مقالات، داده‌های بسیاری وجود دارد که متأسفانه منتشر نمی‌شود و مورد استفاده قرار نمی‌گیرد. به‌عنوان مثال مصاحبه‌هایی که در مورد یک مقاله یا پایان‌نامه انجام گرفته است، در انحصار یک یا تعداد محدودی از پژوهشگران همان مقاله یا پایان‌نامه قرار دارد. درحالی که اگر این مصاحبه‌ها در اختیار سایر پژوهشگران قرار می‌گرفت، شاهد پژوهش‌های بسیار مفید و به‌موقع می‌شدیم که امروز انجام نشده است. با این مثال می‌توان در بعد وسیع‌تری از جامعه پژوهشگری، به این مسأله نگاه کرد. همان‌طور که گفتیم، انبوهی از داده‌هایی که در پس زمینه نوشته‌های علمی قرار دارند، در اختیار هیچ‌کسی قرار نمی‌گیرند. اما آیا این وضعیت در دنیا هم صادق است؟ جواب ما این است: «خیر!» پایگاه‌های بسیاری (شاید بتوان گفت بی‌شماری) وجود دارند که اقدام به انتشار داده‌های علمی می‌کنند. برای همین منظور «آرشیوهای داده پژوهش ۱» در دنیا به وجود آمده‌اند که مانع از هدررفت این دانش می‌شوند.

ادامه در صفحه ۸

جلوگیری از سوخت سرمایه علمی در ایران

ضرورتی برای دولت سیزدهم

رضا طهماسبی بلوک‌آباد

عضو شبکه پژوهشگران حلقه حکمرانی علوم اجتماعی مرکز رشد دانشگاه امام صادق(ع)

انبوهی از داده‌هایی که در پس‌زمینه نوشته‌های علمی قرار دارد، در اختیار هیچ‌کسی قرار نمی‌گیرد. اما آیا این وضعیت در دنیا هم صادق است؟

مقدمه: انقلاب اسلامی ایران بعد از انتخابات ریاست جمهوری ۱۴۰۰، روح تازه‌ای به‌خود دید. به فرموده رهبر معظم انقلاب اسلامی، «انتخابات، تزریق خون تازه در کالبد نظام جمهوری اسلامی است؛ تجدید قوا و تجدید نیرو برای ملت است». عرصه علم و پژوهش نیز همواره از مسائلی اصلی انقلاب اسلامی در کشور بوده است. متأسفانه در سال‌های گذشته بی‌توجهی‌های فراوانی نسبت به این عرصه شده است. این بی‌توجهی‌ها نه‌تنها سکون به بار آورده؛ بلکه در برخی زمینه‌ها باعث عقب‌رفت نیز شده است. در مسیر آینده کشور، کارهای بسیار حیاتی لازم است تا در عرصه علم و پژوهش انجام گیرد. دولت جدید می‌تواند با ظرفیت‌های جامعه پژوهشگران، تحولات اساسی را رقم بزند. در این یادداشت به بررسی یکی از مهم‌ترین مسائل حوزه علم و درعین‌حال جزء مغفول‌ترین آنها پرداخته و آن را تقدیم دولت سیزدهم می‌کنیم تا بلکه بتوانیم گامی در راستای حل آن برداریم. حرف‌مان را با ذکر یک مثال در حوزه پژوهش آغاز می‌کنیم. دانشجویی را فرض کنید که با استاد خود اقدام به نگارش یک مقاله علمی می‌کند. او با استاد خویش، برای مقاله خود، ماه‌ها تلاش می‌کند و با افراد مختلفی مصاحبه می‌کند. اما مصاحبه‌شونده‌ها از لحاظ علمی بسیار غنی بوده و به‌خاطر مشغله‌های زیاد، به‌راحتی در دسترس نیستند. دانشجوی‌باید برای تنظیم قرار ملاقات با آنها ساعت‌ها تلاش کند. بالاخره امروز بعد از مدت‌ها تلاش، توانسته است از ۱۵ نفر از بزرگان علمی حوزه مربوط به خود وقت بگیرد و اقدام به مصاحبه کند. علاوه بر این دانشجوی، دانشجوی دیگری هم در پژوهش خود نیاز به یک‌سری کار آزمایشگاهی دارد که پیگیری‌های اداری زیادی را باید برای تهیه مواد اولیه و تجهیزات لازم طی کند. درنهایت با صرف زمان و هزینه موفق می‌شود شرایط لازم را برای آزمایش فراهم کند و آزمایش را با موفقیت به اتمام برساند. بعد از چندین ماه از شروع پژوهش، وقت آن رسیده است که این دانشجوی‌ها یافته‌های علمی خود را در قالب صفحات محدود مقاله جمع‌آوری کنند. طبیعتاً آنها نمی‌توانند همه دستاوردها و یافته‌های خود را در چند صفحه ذکر کنند. متن مصاحبه‌ها، جزئیات دقیق آزمایش‌ها و همچنین تجربیات حاصل از شناخت موانع، میانبرهای شناخته‌شده این پژوهش و سایر دستاوردهای آنها در چند صفحه محدود مقاله که نصف آن هم مربوط به روش تحقیق و ادبیات پژوهش است، جا نمی‌شود. از طرفی هم نباید مقاله طولانی شود و مخاطب رغبتی به مطالعه پیدا نکند؛ نشریات علمی نیز اجازه این کار را



FARHIKHTEGAN صدای نخبگان، نگاه جوانان

@farhikhteganonline2

WWW.FDN.IR روزنامه فرهیختگان

